

حافظه تاریخی، هویت قومی و جهانی شدن: پژوهش بین نسلی در شهر سنندج

غلامعباس توسلی، * جمال ادهمی **

چکیده

هرچند مسئله هویت و حافظه تاریخی قدمتی به عمر تاریخ دارد، درحقیقت محصول عصر مدرن و از موضوعات اصلی مورد توجه در جامعه‌شناسی معاصر است. در ایران نیز بحث درباره این موضوع با ظهور گفتمان مدرنیسم و شکل‌گیری دولت مدرن آغاز شده و تا امروز ادامه یافته و با توجه به ناهمگونی فرهنگی و قومی جامعه ایران و تحولات جهانی امروزه این‌گونه مباحث اهمیت فزاینده‌ای یافته است. پژوهش موجود در همین راستا و برای بررسی رابطه بین حافظه تاریخی، هویت قومی و جهانی شدن در کردستان ایران صورت گرفته است. در بخش نظری بر اساس نتایج به دست آمده از بررسی دیدگاه‌ها و مرور منابع تجربی موجود چارچوبی نظری تنظیم شد و در قالب آن فرضیه‌های اصلی مطرح گردید. پژوهش به روش چندگانه (روش پیمایشی و روش اسنادی) و با استفاده از پرسش‌نامه در مورد ۴۵۵ نفر نمونه از افراد ۱۵ سال به بالای ساکن شهر سنندج ایران انجام گرفته است. نتایج پژوهش بر بالابودن میانگین هویت قومی نسل کهن سال، حافظه تاریخی نسل میان سال و بهره‌گیری از رسانه‌های جهانی نسل جوان دلالت دارد. همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد که به ترتیب متغیرهای جامعه‌پذیری به شیوه کردی، احساس تبعیض قومی و حافظه تاریخی بیشترین تأثیر را بر متغیر هویت قومی داشته و در مجموع حدود ۳۴ درصد تغییرات هویت کردی را تبیین می‌کنند.

کلیدواژه‌ها: حافظه تاریخی، نسل، هویت قومی، احساس تبعیض، جهانی شدن، جامعه‌پذیری، سرمایه اقتصادی و فرهنگی.

* استاد جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران tavasoli@chamran.ut.ac.ir

** دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران Adhamister@gmail.com

تاریخ دریافت: ۹۰/۹/۲۰ تاریخ پذیرش: ۹۱/۱/۲۲

مسائل اجتماعی ایران، سال سوم، شماره ۲، زمستان ۱۳۹۱، صص ۷-۳۷

۱. مقدمه

این مقاله به بررسی رابطه حافظه تاریخی، هویت قومی و جهانی شدن در میان کردهای ایران پرداخته است. حافظه جمعی یا تاریخی به بازنمایی گذشته توسط یک گروه گفته می‌شود. گذشته‌ای که اعضای گروه عموماً در آن سهیم‌اند و به‌طور جمعی آن را یادآوری می‌کنند و هویت گروه، شرایط حال و نگرش به آینده‌اش را موجه می‌سازد (میزتال، ۲۰۰۵: ۱۵۸). بنابراین می‌توان گفت گروه‌های قومی براساس مشخصه‌هایی همچون «دین، زبان، ویژگی‌های جسمی»^۱ (جانت، ۱۹۹۵: ۱۲) و حافظه‌های تاریخی مخصوصشان از یکدیگر متمایز می‌شوند. گیدنز قومیت را چنین تعریف می‌کند: «قومیت به دیدگاه‌ها و شیوه‌های عمل فرهنگی اطلاق می‌شود که اجتماع معینی از مردم را متمایز می‌کند» (گیدنز، ۱۳۷۴: ۲۶۰). بنابراین هر فرد و جامعه‌ای تاریخ و سرگذشتی دارد که بازاندیشی آن برای تعیین و تثبیت هویت و ادامه حیات اجتناب‌ناپذیر است. گروه‌های اجتماعی برای اثبات هویت خود به گذشته نیاز دارند، گذشته‌ای که سرشار از قهرمانی‌ها و اسطوره‌هاست. «ساختارهای تاریخی خاص موجب پیدایش انواع هویتی می‌شوند که در موارد فردی قابل تشخیص‌اند» (برگر و لاکمن، ۱۳۸۷: ۲۳۶). در واقع هویت و حافظه ریشه در تاریخ اجتماع دارد و به تعبیر هالبواکس هیچ حافظه‌ای در خارج از گروه‌های اجتماعی وجود ندارد و عضویت گروهی یا احساس تعلق به گروهی از افراد و انسجام اجتماعی در نتیجه وجود خاطرات یا حوادث مشترکی است که با دیگران به‌طور مستقیم تجربه کرده‌ایم یا احساس یکسانی که در نتیجه روایتی مشترک از آن داریم (میزتال، ۲۰۰۵: ۵۰).

ورود به عرصه حافظه جمعی می‌تواند از منظر ارتباطات نسلی نیز بررسی شود. حافظه تاریخی رویدادهای گذشته در جریان اجتماعی شدن و فرهنگ‌پذیری و در روندی تعاملی از نسلی به نسل دیگر انتقال پیدا می‌کند و تحت تأثیر عوامل متعدد - اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی - به شکل متفاوتی تفسیر می‌شود و در نهایت به عنصری برای بیان احساس جمعی، همان احساس مشترک در میان یک نسل یا گروه، تبدیل می‌شود و روایت‌های متفاوت نسلی نشان‌دهنده تلاشی است که یک نسل برای تعیین جایگاه خود در عرصه اجتماع انجام می‌دهد.

^۱ Physical features

بسیاری از دانشمندان حوزه علوم اجتماعی و سیاسی در قرن گذشته معتقد بودند که هویت و علائق قومی و نژادی نوعی واپس‌گرایی است که در برابر ایدئولوژی‌های برتر یعنی کمونیسم و لیبرالیسم رنگ می‌بازد (بوگاجسکی، ۱۹۹۵: ۱). امروزه نیز برخی بر این باورند که با توجه به رشد روزافزون جهانی شدن، هویت‌های خرد قومی ناگزیر در فرهنگ واحد جهانی مستحیل خواهند شد. اما گروهی دیگر معتقدند جهانی شدن نه تنها باعث از بین رفتن قومیت‌ها نخواهد شد، بلکه با ابزاری که در اختیار آن‌ها قرار می‌دهد، موجبات رشد خودآگاهی قومی را فراهم کرده، منجر به تقویت جنبش‌های قومی می‌شود؛ به طوری که کاستلز از هویت مقاومت نام می‌برد. این هویت به دست کنشگرانی ایجاد می‌شود که در اوضاع و احوال یا شرایطی قرار دارند که از طرف منطق سلطه بی‌ارزش تلقی می‌شود یا داغ ننگ بر آنان زده می‌شود (کاستلز، ۱۳۸۹: ۲۴). از این رو جهانی شدن چیزی نیست که به شیوه‌ای نظام‌مند به روی همه چیز رنگ بی‌تفاوتی بپاشد و یکسانی تولید کند. در واقع امر جهانی از طریق خاص بودن عمل می‌کند، با فضاهای خاص و قومیت‌های خاص توافق حاصل می‌کند و از طریق بسیج کردن هویت‌های خاص و نظایرش عمل می‌کند. بنابراین همیشه نوعی دیالکتیک پیوسته میان امر جهانی و امر محلی برقرار است (هال، ۱۳۸۳: الف ۲۶۲-۲۳۹؛ هال ۱۳۸۳: ب ۳۵۲-۳۱۹).

بنابراین امروزه هویت قومی و قوم‌گرایی به یکی از مسائل مهم جهانی تبدیل شده است و قومیت به مثابه برساخته اجتماعی و محصول تجربه روزمره افراد در جهان مدرن و در بستری از فرآیند جهانی شدن، عامل بسیار مهمی در شکل‌بخشی به آگاهی و خاطره فردی و جمعی انسان‌ها بر اساس میراث برجای مانده از سنت گروهی است.

در ایران نیز بعد از شکل‌گیری دولت ملی، دولت مدیریت خوانش تاریخ و حافظه‌های قومی را برعهده گرفته بود. بنابراین «تلاش می‌کرد که تفاوت‌های فرهنگی را نادیده بگیرد و ایران را ملتی واحد تلقی کند. از این روی، مقاومت‌ها از جانب اقوام کرد، بلوچ، ترک و ترکمن چه به شیوه خشن و چه آرام صورت گرفت» (مقصودی، ۱۳۸۰). بنابراین از دوره پهلوی اول مسئله قومیت‌ها تبدیل به مسئله سیاسی گردید، هرچند تصور می‌شد از زمان تشکیل حکومت پهلوی و فرایند ملت‌سازی و سیاست یکسان‌سازی رضاخانی، هویت، حافظه و ناسیونالیسم قومی نسل به نسل تضعیف شده است. تصور غالب این است از دوره مدرن به بعد

پدیده‌هایی چون تحصیلات آکادمیک، رسانه‌های جمعی جهانی (ماهواره، اینترنت و موبایل) و مجاورت مرزی و رفت‌وآمد با کردستان عراق و ترکیه در یادآوری حافظه‌های زخمی و تجربه مبارزاتی کردها نقش بسیار شایان توجهی داشته‌اند.

بر این اساس، در پژوهش حاضر می‌خواهیم با واکاوی حافظه تاریخی و بررسی تأثیرات جهانی شدن، پویایی هویت را در کردستان مطالعه کنیم. براساس رویکردهای حافظه تاریخی می‌توان نقاط عطف روانی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی (تأسیس و براندازی جمهوری مهاباد، بمباران حلبچه و...) را در حافظه مردم کرد شناسایی کرد و عوامل پایداری و تقویت هویت مردم کرد را در چهار کشور ایران، ترکیه، سوریه و عراق مورد بررسی قرار داد. بنابراین، تحقیق حاضر برای بررسی میزان یادآوری جمعی در پی پاسخگویی به سؤالات زیر است.

۲. سؤالات تحقیق

- نسل جدید چه نگرشی به ارزش‌ها، سنت، هویت قومی و ابژه‌های نسلی گذشته دارند؟
- هویت قومی به چه میزان به حافظه تاریخی وابسته است؟ به عبارت دیگر آیا هویت و حافظه قومی توانسته است بین نسل‌ها پیوند ایجاد کند؟
- چه وقایع یا رویدادهای تاریخی در ذهنیت، نگاه و شناخت افراد تأثیرگذار و برجسته بوده است؟ یا بر اساس چه رویدادهایی یا اشخاص تاریخی مشترک هویت‌یابی می‌کنند؟
- کردها بر اساس یادآوری کدام وقایع از راه رسانه‌ها هویت‌یابی می‌کنند؟
- چه زمینه یا عواملی کنترل‌کننده حافظه تاریخی و حافظ ارتباط آن با هویت قومی افراد هستند؟

۳. پیشینه تحقیق

پیشینه تحقیق شامل دو بخش مطالعات تجربی (خارجی و داخلی) و مطالعات نظری است. از جمله منابع تجربی خارجی مرتبط با حافظه جمعی و هویت می‌توان به این تحقیقات اشاره کرد. نتایج تحقیق رورلیک در مقاله‌ای با عنوان «تاریخ، حافظه جمعی و هویت در تاتارستان بعد از استعمار» حاکی از نقش برجسته حافظه جمعی تاتارها در برساخت هویت و در احیا و تحکیم دولت مستقل است (رورلیک، ۱۹۹۹). در تحقیقی دیگر، وان واگن به این نتیجه رسید

که تفاوت‌های منطقه‌ای، نژادی و مذهبی بر یادآوری جنگ تأثیر می‌گذارد (وان واگنن، ۲۰۰۹). همچنین دانفوت و ولف نیز در تحقیقی در باب «حافظه نسلی و رابطه خانوادگی» دریافته‌اند که تغییرات در روابط دو جنس بر تغییرات در حافظه‌های جنسیتی تأثیرگذار است (دانفوت و ولف، ۲۰۰۳: ۱۳-۱۲).

کوزمنیک نیز بیان می‌دارد که پایگاه اجتماعی افراد نقش تعیین‌کننده‌ای در بازنمایی هویت اجتماعی آن‌ها و تفسیر آن‌ها از واقعیت ایفا می‌کند (کوزمنیک، ۲۰۰۸: ۵). محققان دیگری نیز ابراز کرده‌اند مکان (محیط زندگی)، عکس‌ها، رسانه‌ها، موسیقی و داستان بر حافظه تصویری، آگاهی تاریخی و یادآوری وقایع خاص تأثیرگذار است و به تقویت حافظه جمعی و هویت کمک می‌کند (دایک، ۲۰۰۶؛ ویسبرگ، ۱۹۹۹). نتایج یک تحقیق کیفی در مورد انتقال بین‌نسلی تجارب تلخ در میان سه نسل از سه خانواده نشان داد که در بین سه نسل از بازماندگان/قربانیان یا نسل دوم و سوم بازماندگان و قربانیان، تجربیات تلخی نظیر هولوکاست، قرار گرفتن در اردوگاه انتقالی مهاجران مراکشی و جابه‌جایی اجباری در اثر جنگ همواره از نسلی به نسل دیگر انتقال یافته است (لیف‌ویسل، ۲۰۰۷: ۷۵). گانزالیس کاسترو نیز با مرور مجموعه مطالعات مربوط به تأثیر وقایع اجتماعی، سیاسی، ساختارهای هویت و واکنش‌های عاطفی بر ایجاد، انتقال و حفظ حافظه‌های جمعی به این نتیجه رسید که چگونه این حافظه‌ها بین گروه هم‌دوره سنی و جنسیت‌ها نقش میانجی ایفا می‌کنند و بر ارزش‌ها، عقاید و دیدگاه عام فرد یا گروه در مورد جهان تأثیر می‌گذارد. علاوه بر این فرایندهای جهانی شدن وفاق همگانی را در یادآوری وقایع پدید آورده است. هویت‌ها و نیاز به حفظ هویت اجتماعی مثبت همچنین در یادآوری وقایع مهم است. این هویت نتیجه وجود حافظه‌های گوناگون قربانیان، اعضای خانواده یا دوستان قربانی و عاملان وقایع تلخ است (گانزالیس کاسترو، ۲۰۰۶: ۷).

در تحقیقی دیگری مارگاریتا ماس و جورج ای گانزالیس به بررسی تجربی حافظه سه نسل در مکزیکو می‌پردازند. آن‌ها نشان دادند که چگونه طبقه اجتماعی، جنسیت، سن و تکنولوژی‌های مختلف رسانه‌ای (مانند رادیو، تلویزیون و اینترنت) با شکل حافظه وقایع جهانی ارتباط دارد. یافته‌هایشان نشان داد جهانی شدن بر طبقات اجتماعی پایین‌تر (اکثریت جمعیت) نسبت به طبقات اجتماعی ممتاز در کشورهای پیرامونی اثر کمتری داشته است و حال آنکه

طبقات ممتاز به شیوه جهانی رفتار کرده و حافظه‌هایشان را به صورت جهانی بیان داشته‌اند (ماس و گانزالیس، ۲۰۰۵: ۱۶۷).

همچنین در مطالعات خارجی درباره هویت‌گریش در مقاله «کردهای ایران در عصر جهانی شدن» نشان داد که مجاورت با حکومت خودمختار اقلیم کردستان عراق و جهانی شدن موجب تقویت ناسیونالیسم کردی در ایران شده است (گریش، ۲۰۰۹: ۱۸۷).

در ایران، در سال‌های اخیر، تحقیقات زیادی درباره هویت قومی، هویت ملی و جهانی شدن انجام شده است. نتایج برخی از تحقیقات داخلی مانند کارهای معیدفر و شهلای بر (۱۳۸۶)، حافظ‌نیا و همکاران (۱۳۸۵)، فکوهی و آموسی (۱۳۸۸) حاکی از آن است جهانی شدن به واسطه فناوری اطلاعات و ارتباطات به ساختاریابی مجدد و برجسته شدن هویت قومی - محلی و تضعیف هویت ملی منجر شده است. به طوری که فکوهی و آموسی در تحقیقی تحت عنوان «هویت ملی و هویت قومی در کردستان ایران (مطالعه موردی پیرانشهر)» دریافته‌اند که جوانان پیرانشهر به واسطه روابط قانونی و غیرقانونی مبادله کالا با کردستان عراق، شرایط جهانی شدن، رواج گسترده رسانه‌های قومی مثل ماهواره و مطالبه مشارکت فعال سیاسی در سال‌های اخیر هویت‌های جماعت‌گرایانه قومی خود را تقویت کرده‌اند (فکوهی و آموسی، ۱۳۸۸).

یافته‌های ساعی ارسی نیز در مورد قوم آذری حاکی از آن است که رسانه‌های جدید در هویت‌سازی قوم آذری تأثیرات مثبتی داشته است. هرچند میزان هویت جهانی در بین آذری‌ها بالاست، بعد از هویت قومی و ملی قرار می‌گیرد. گرایش به جهانی شدن جایگاه ملیت را به عنوان چارچوب اصلی همبستگی جمعی به طور بنیادی تضعیف نکرده است، بلکه به سست شدن روابط بین قومیت و دولت مرکزی کمک کرده است (ساعی ارسی، ۱۳۸۵). اما نتایج تحقیقات دیگری مانند کارهای توسلی و قلی‌پور در مورد «جهانی شدن و هویت فرهنگی قوم لک» حاکی از آن است که لک‌ها با وجود تفاوت‌های فرهنگی درون قومی، برخی خصیصه‌های فرهنگی مشترک نیز دارند که بیانگر هویت قومی آن‌هاست و آن‌ها با پذیرفتن عناصر مدرن و جهانی در کنار عناصر محلی و قدیمی، ترکیب ظریفی از امر محلی و جهانی به وجود آورده‌اند (توسلی و قلی‌پور، ۱۳۸۶). نتایج مطالعات توسلی و قاسمی نیز حاکی از هم‌زیستی و توازی هویت‌های جمعی محلی با هویت‌های جمعی کلان است، بدون اینکه

وجود یکی دال بر ضدیت با وجود دیگری باشد (توسلی و قاسمی، ۱۳۸۳). برخلاف یافته‌های مذکور نساج در مقاله‌ای تحت عنوان «جهانی‌شدن و هویت اقوام ایرانی» معتقد است جهانی‌شدن در کوتاه‌مدت هویت‌های قومی را برجسته می‌سازد و ممکن است به جنبش‌های قومی نیز منجر شود، اما در نهایت به همانندسازی خرده‌فرهنگ‌ها در فرهنگ مسلط منجر خواهد شد (نساج، ۱۳۸۷).

لهسایی‌زاده و همکاران نیز در تحقیقی تحت عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر هویت قومی و هویت ملی در میان اعراب شهرستان اهواز» دریافته‌اند که متغیرهای سن، شغل، درآمد خانواده، میزان مالکیت خانواده، احساس محرومیت نسبی در بعد اقتصادی و سیاسی، منطقه مسکونی (عرب‌نشین و مختلط)، میزان اعتماد به قوم، پابندی به هنجارهای قومی، تحصیلات، استفاده از وسایل ارتباط جمعی، رضایت از نظام سیاسی و مشارکت در امور سیاسی بر متغیر هویت قومی مؤثر است و رابطه هویت ملی و هویت قومی معکوس است (لهسایی‌زاده و همکاران، ۱۳۸۸). نواح و تقوی‌نسب نیز در تحقیقی با عنوان «تأثیر احساس محرومیت نسبی بر هویت قومی و هویت ملی: مطالعه موردی اعراب خوزستان» نشان دادند که افزایش احساس محرومیت نسبی به تشدید هویت قومی و تضعیف هویت ملی منجر شده است (نواح و تقوی‌نسب، ۱۳۸۶).

عبداللهی و قادرزاده در تحقیقی تحت عنوان «هویت جمعی غالب کردها در کشورهای ایران و عراق» به این نتیجه رسیدند که در بین کردها به طور مشابهی هویت قومی در صدر تعلقات و ترجیحات هویتی جای دارد و هویت‌های جهانی و ملی رده‌های دوم و سوم را به خود اختصاص داده‌اند و متغیرهای سطح توسعه، میزان بهره‌مندی از سرمایه‌های اقتصادی و فرهنگی، عادت‌واره و گستره روابط اجتماعی اثر کاهنده‌ای بر هویت قومی و اثر تقویت‌کننده‌ای بر هویت جمعی عام در سطوح ملی و جهانی داشته است (عبداللهی و قادرزاده، ۱۳۸۸).

شریفی در تحقیق خود با نام «حافظه تاریخی و هویت دینی: پژوهشی در میان جوانان شهر تهران» نشان داد که حافظه تاریخی و هویت دینی تحت تأثیر حافظه زندگی نامه‌ای افراد است (شریفی، ۱۳۸۷: ۱۰۷-۱۰۸).

۴. چارچوب نظری

دستگاه نظری این پژوهش شامل چهار سطح حافظه تاریخی، هویت قومی، جهانی شدن و نسل است. به عبارت دیگر، هدف این است که در بین نسل‌های قوم کرد رابطه حافظه تاریخی و هویت قومی و تأثیرات جهانی شدن را بررسی کنیم برای تحقق این هدف از نظریه‌های حافظه اجتماعی، قومیت و هویت قومی، جهانی شدن و نسل جهت ساخت دستگاه جامع نظری استفاده شده است.

هویت و حافظه در زمره موضوعاتی است که در دیدگاه‌های گوناگون جامعه‌شناسی به دلیل پیوند با پدیده‌های فراگیری نظیر بازنمایی، آگاهی، عضویت و تعلق جمعی، انسجام اجتماعی، نمادگرایی و معنا که تعیین‌کننده جهت‌گیری‌های شناختی، عاطفی و عملی افراد است مورد توجه ویژه‌ای قرار گرفته و به شیوه‌های متفاوتی مفهوم‌سازی شده است (تیلور و اسپنسر، ۲۰۰۴: ۱۰۹). هویت و حافظه دو مفهوم کاملاً به هم وابسته هستند، چراکه نه تنها هویت متأثر از حافظه است بلکه همچنین آنچه یادآوری می‌شود به وسیله هویت مفروض تعریف می‌شود. امروزه حافظه عمدتاً هویت مشروعی را می‌طلبد، زیرا هسته معنایی هویت هر فرد و گروه به وسیله یادآوری حفظ می‌شود. هویت‌های جمعی دلالت بر احساس همبستگی و انسجام با اعضای گروه هم‌نوع و هم‌احساس تفاوت با برون‌گروه دارد. بنابراین حافظه اجتماعی بیانگر تجربه جمعی است که هویت گروه را تعیین می‌کند، درکی از گذشته گروه به دست می‌دهد و آرمان‌هایش را برای آینده تعریف و تعیین می‌کند (فتترس و ویخام، ۱۹۹۲: ۲۵).

در حافظه جمعی دو رویکرد قابل بررسی است: رویکرد کلاسیک هالبواکس، رویکرد بر ساخت‌گرایی (ابداع سنت، حافظه عامیانه، پویش‌های حافظه).

هالبواکس به‌عنوان اولین صاحب‌نظر کلاسیک معتقد بود هر گروه حافظه‌ای از گذشته خود را توسعه می‌دهد که بدان وسیله هویت منحصر به فرد خود را مشخص و برجسته می‌کند و این نیازها، مسائل و باورهای زمان حال است که حافظه را تعیین می‌کند و به واسطه گروه‌های اجتماعی و چارچوب‌های اجتماعی است که مسئله قابل یادآوری و چگونگی یادآوری آن تعیین می‌شود و این حافظه، انسجام، دوام و پایداری گروه را تضمین می‌کند. یادآوری‌ها وابسته به نقاط عطف روانی اجتماع عاطفی است و تنظیم و طبقه‌بندی زمانی و مکانی نقش

اساسی در تثبیت و تضمین حفظ خاطرات گروهی ایفا می‌کند (هالبواکس، ۱۹۴۱ در میزتال، ۲۰۰۳: ۵۲).

نظریه‌های برساخت‌گرایی با انتقاد از مبالغه هالبواکس در مورد عوامل اجتماعی و جبرگرایی (دترمینیسم) اجتماعی معتقدند که وی نقش عاملیت فردی را در فرایندهای تولید فرهنگی نادیده می‌گیرد. اخیراً، نه تنها محققان مطالعات فرهنگی بلکه همچنین عموم مردم عمیقاً به موضوعات حافظه و یادآوری از نگاه برساخت‌گرایانه علاقه‌مند شده‌اند. بنابراین برساخت‌گرایان نه تنها برساخت اجتماعی حافظه و ارتباطش با نیازها و علایق و دغدغه‌های زمان حال را در نظر می‌گیرند، بلکه همچنین تحلیل می‌کنند که چگونه فرایندهای یادآوری جمعی تحت تأثیر تغییر اجتماعی و فرهنگ است (شوارتز، ۱۹۹۱: ۲۲۵-۲۲۰). برساخت‌گرایان حافظه جمعی را محصولی تاریخی می‌بینند که از تعاملات بین فرهنگی، تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان فرهنگ، قدرت، شناخت و علایق فردی نشئت می‌گیرد (کنستاینر، ۲۰۰۲: ۱۹۱). در درون رویکرد برساخت‌گرایی، نظریه‌های ابداع سنت^۱ (مدیریت ساخت و کنترل حافظه از بالا)، حافظه عامیانه^۲ (ساخت حافظه از پایین به عنوان حافظه متضاد و غیررسمی)، پویای حافظه^۳ (تعریف و ساخت حافظه طی فرایند مذاکره و بررسی چگونگی، چرایی و زمان وقایع مهم تشکیل‌دهنده حافظه جمعی) قرار دارد.

به‌طور کلی، در جامعه‌شناسی سه رویکرد عمده وجود دارد که هویت را در سطح جمعی می‌بینند. این سه رویکرد عبارت‌اند از برساخت‌گرایی اجتماعی،^۴ واقعیت اجتماعی،^۵ و رویکرد تلفیقی.

رویکرد برساخت هویت و حافظه جمعی: محققانی چون هربرت مید، کان، هربرت بلومر، استرایکر، پیتر برگر، تامس لاکمن، تاجفل و ترنر در رویکرد برساخت‌گرایی اجتماعی بر نقش عوامل ذهنی - نمادین در برساختن هویت جمعی تأکید کرده‌اند. بر مبنای رویکرد برساخت‌گرایی اجتماعی، هویت‌های جمعی نظیر هویت جنسی، قومی، نژادی و غیره از برآیند تعاملات اجتماعی از راه مذاکره و تبادلات زبانی پدید می‌آیند (برکیت، ۱۹۹۴: ۱۹۰).

¹ The presentist memory approach: the invention of traditions

² The popular memory approach

³ The dynamics of memory approach

⁴ Social constructionism

⁵ Social realism

در رویکرد واقعیت اجتماعی محققانی چون مایکل هشر، آیزنشتات، کاستلز و استیو فنتون هویت را در رابطه با شرایط و عوامل تاریخی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرایندهای عمده‌ای چون جهانی‌شدن تحلیل کرده‌اند. در اینجا از رویکرد کاستلز و فنتون استفاده شده است. کاستلز معتقد است از نگاهی جامعه‌شناختی می‌توان گفت که تمامی هویت‌ها بر ساخته می‌شوند. اما مسئله اصلی این است که چگونه، از چه چیزی، توسط چه کسی و با چه هدفی؟ برای برساختن هویت‌ها از مواد و مصالحی نظیر تاریخ، جغرافی، زیست‌شناسی، نهادهای تولید و بازتولید، خاطره و حافظه جمعی، رؤیاهای شخصی، دستگاه و جهاز قدرت و وحی و الهامات دینی استفاده می‌شود. وی همچنین با این استدلال که ساختن اجتماعی هویت همواره در بستر روابط قدرت صورت می‌گیرد بین سه صورت و سرچشمه برساختن هویت تمایز قائل می‌شود:

هویت مشروعیت‌بخش^۱ که توسط نهادهای مسلط جامعه ایجاد می‌شود تا سلطه خود را بر کنشگران اجتماعی گسترش دهند (کاستلز، ۱۳۸۹: ۲۴)، هویت مقاومت^۲ به دست کنشگرانی ایجاد می‌شود که در اوضاع و احوال یا شرایطی قرار دارند که از طرف منطق سلطه بی‌ارزش تلقی می‌شود یا داغ ننگ بر آنان زده می‌شود. از این رو، به واسطه این هویت، سنگرهایی برای مقاومت و بقا بر اساس اصول گوناگون یا متضاد با اصول مورد حمایت نهادهای جامعه ساخته می‌شود؛ مانند مقاومت ناسیونالیسم مبتنی بر قومیت در برابر تبعیض ناعادلانه سیاسی یا اقتصادی یا اجتماعی (کاستلز، ۱۳۸۹: ۲۶)، هویت برنامه‌دار^۳ هنگامی تشکیل می‌شود که کنشگران اجتماعی با استفاده از هر گونه مواد و مصالح فرهنگی در دسترس، هویت جدیدی را می‌سازند که موقعیت آنان را در جامعه از نو تعریف می‌کند و به این ترتیب در پی تغییر شکل کل ساخت اجتماعی هستند (کاستلز، ۱۳۸۹: ۲۴).

استیو فنتون در پاسخ به این سؤال که چگونه و تحت چه شرایطی هویت جمعی و وفاداری جمعی به وجود می‌آید می‌گوید شرایط بیرونی چون جهانی‌شدن و الزامات آن برای کنشگران، فقر اقتصادی و فرهنگی و بحران مشروعیت ساختار سیاسی و انزوای یک گروه

¹ Legitimate identity

² Resistivity identity

³ Programmed identity

اجتماعی به تمایزات آن گروه از گروه‌های دیگر کمک می‌کند (فنتون، ۲۰۰۳ به نقل از عبداللهی و قادرزاده، ۱۳۸۸: ۵).

رویکرد تلفیقی: در این رویکرد پیر بوردیو، الکزاندرو و جنکینز فرایند هویت‌سازی و هویت‌یابی در دوران مدرن را بر اساس تأثیرات دوسویه ساختارهای اجتماعی و عاملان تبیین می‌کنند. در تحقیق حاضر از دیدگاه هویت و حافظه نسلی بوردیو استفاده شده است. بوردیو در تحلیل‌های خود سطح خرد (عاملان و عملکردهایشان) و سطح کلان (ساختارهای اجتماعی) را با یکدیگر تلفیق می‌کند. در سطح کلان به ساختارها یا حوزه‌های تعاملاتی توجه دارد که هر کس برحسب میزان سرمایه کلی (مجموع دو نوع سرمایه اقتصادی و فرهنگی) و براساس ساختار سرمایه (برحسب وزن نسبی انواع مختلف سرمایه اقتصادی و فرهنگی که در مجموع کل دارایی دارد)، در میدان اجتماعی توزیع و جایگاه اجتماعی پیدا می‌کند و در کنار افرادی قرار می‌گیرد که از لحاظ سرمایه کلی با او مشابه هستند. افراد دارای پایگاه مشابه و تعاملات مشترک از عادت‌واره^۱ و الگوی کنشی نسبتاً همسو و هماهنگی برخوردارند (بوردیو، ۱۹۹۵: ۴۳۷؛ ۱۹۸۴: ۱۱۲-۱۱۶) و افراد یک نسل یعنی افراد هم‌دوره به‌لحاظ تاریخی و دارای تجربه مشترک اجتماعی و تاریخی (مانهایم، ۱۹۷۲؛ سویدلر، ۱۹۶۰ در ارل و نونینگ، ۲۰۰۸: ۱۱۹) و اشخاصی هم‌دوره که در طول زمان عادت‌واره مشترکی را می‌گذرانند حافظه نسلی مختص خود را دارند، به این دلیل هویت نسلی متفاوتی را با هویت نسل‌های قبلی و بعدی کسب می‌کنند. به نظر بوردیو سهم‌شدن در فرهنگ و عادت‌واره جمعی اعضای یک نسل را با حافظه جمعی تجهیز می‌کند که برای یکپارچه کردن هم‌دوره در طی یک دوره زمانی محدود به کار می‌رود. عادت‌واره نظام تمایلات مستمر و مداوم برای عمل است که با ساختارها و شرایط عینی ایجاد می‌شود، اما همچنین قادر به تولید و بازتولید این ساختارها است (بوردیو، ۱۹۷۷ در میزتال، ۲۰۰۳: ۸۹). حافظه بی‌همتای نسلی، به آهنگ تغییر اجتماعی وابسته است. هرچه سرعت تغییر اجتماعی و فرهنگی بیشتر باشد فرصت‌هایی که شکاف نسلی ظهور کند بیشتر است (مانهایم، ۱۹۷۲؛ سویدلر، ۱۹۶۰ در ارل و نونینگ، ۲۰۰۸: ۱۲۰).

جهانی‌شدن: در گذشته هویت نسل‌ها بر یکدیگر منطبق بود و بستگی تنگاتنگی با مکان و فضا، زمان، فرهنگ و حافظه تاریخی - جمعی داشت، اما اکنون نسل‌ها به گونه‌ای متفاوت با

^۱ Habitus

یکدیگر هویت‌یابی می‌کنند و حتی هویت یک نسل متأثر از گفتمان‌های چندگانه و رقیب است و بنابراین ناپایدار، چندگانه، در حال نوسان و قطعه قطعه و ناپیوسته است (تورین، ۲۰۰۰).

آنتونی گیدنز معتقد است که در فرایند نوسازی بستر هویت‌سازی دگرگون می‌شود. هر اندازه سنت نفوذ خود را از دست می‌دهد، افراد به چک و چانه‌زدن بر سر گزینش شیوه زندگی خود از بین گزینه‌های گوناگون وارد می‌شوند و می‌کوشند برای رهایی از بحران هویت به منابع و ابزارهای هویت‌سازی سنتی متوسل شوند. متوسلان به این شیوه در جست‌وجوی آرامش و امنیتی هستند که فضاهای نسبتاً بسته فرهنگی اجتماعی موجود در جوامع سنتی فراهم می‌کرد؛ بنابراین، به آسانی جذب جنبش‌هایی می‌شوند که در واکنشی دفاعی به فرایند جهانی‌شدن، بازسازی و احیای چنان فضاهایی را وعده می‌دهند. بنابراین، افراد و گروه‌های زیادی در برابر ایدئولوژی‌ها و جنبش‌هایی که امکان‌پذیری هویت‌سازی سنتی را وعده می‌دهند بسیج می‌شوند. یکی از انواع این جنبش‌ها جنبش‌های قومی است (گل‌محمدی، ۱۳۸۹).

کاستلز نیز جهانی‌شدن را فضایی می‌انگارد که باعث شده بسیاری از هویت‌ها و فرهنگ‌های انکارشده و دورافتاده دوباره به صحنه بازگردند. نظریه بازسازی گرایانه کاستلز معتقد است که فرایند جهانی‌شدن از یکسو موجب درآمیختن هویت‌ها و فرهنگ‌های قدیم و جدید شده است و از طرف دیگر فرهنگ‌های دورافتاده قدیمی را در ارتباط نزدیک و رو در روی یکدیگر قرار می‌دهد. چنین برخوردی لزوماً به معنی حذف فرهنگ‌های دورافتاده یا قدیم نیست، بلکه این فرهنگ‌ها دست به نوعی بازسازی می‌زنند که در نتیجه آن فرهنگی شکل می‌گیرد که دارای ریشه‌های تاریخی و بومی است و با بسترهای جدید جهانی نیز مرتبط است (عاملی، ۱۳۸۳: ۴۳-۴۲).

در ارتباط با قومیت و ناسیونالیسم قومی پارادایم‌هایی چون قدیمی‌گرایان،^۱ مدرنیسم و نمادگرایی قومی^۲ اسمیت مطرح شده است. قدیمی‌گرایان رابطه‌ای ذاتی میان فاکتورهای قومی هویت و ناسیونالیسم قومی در نظر گرفته و یک قوم را دارای هویتی متشکل از نمادها، اسطوره‌ها، حافظه تاریخی و فرهنگ و تعلق خاطر اولیه به یکدیگر می‌داند. پارادایم مدرن

^۱ Primordialism

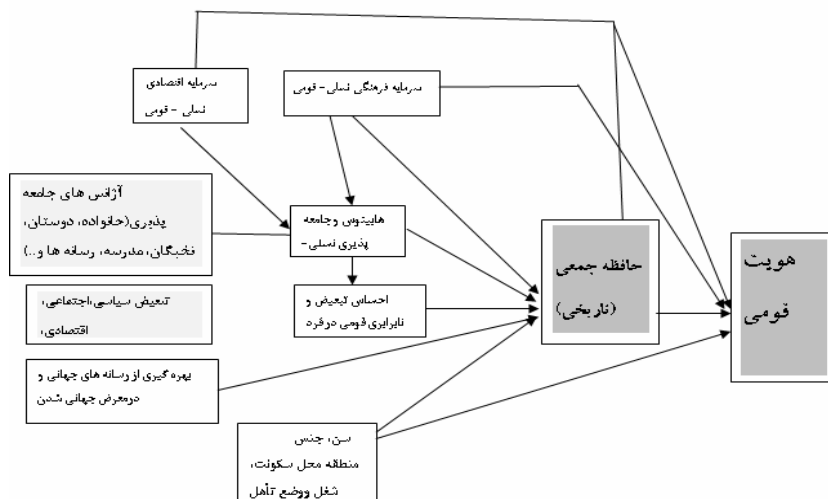
^۲ Ethnic symbolism

ناسیونالیسم هویت قومی و قومیت را متعلق به دوران مدرن و شیوه تولید سرمایه‌داری می‌داند و برای آن هیچ‌گونه اصالت و قدمتی قائل نیست (ماتیل، ۱۳۸۳: ۹۴۵؛ مقصودی، ۱۳۸۰: ۲۱؛ احمدی، ۱۳۸۹: ۱۴۳). طبق نمادپردازی قومی اسمیت ملت و ناسیونالیسم امری مدرن است، اما شکل‌گیری آن مستلزم مواد و مصالح قدیمی موجود در فرهنگ و تاریخ نظیر نمادها، اسطوره‌ها و خاطرات تلخ و شیرین مشترک گذشته است (اسمیت، ۱۹۹۸).

به‌طور کلی، نظریه‌های قدیمی گرایان و نظریه‌هالباکس و مانهایم ریشه حافظه و هویت را در اجتماعات واقعی جستجو می‌کردند، اما براساس نظریه جامعه‌تخیلی - تصویری اندرسون و سنت ابداعی هابزبام می‌توان گفت که اقوام از طریق رسانه‌های قومی و جهانی (ماهواره، اینترنت و موبایل) و مهاجرت‌های بین‌المللی به‌طور نمادین وقایع تلخ و شیرین گذشته را یادآوری می‌کنند و از این طریق هویت مقاومت و حافظه متضاد خود را فراتر از زمان و مکان بازسازی می‌کنند (اوز کریملی، ۱۳۸۳: ۱۷۶؛ هابزبام، ۱۳۸۲). همچنین براساس نظریه‌های نابرابری و تبعیض لنسکی، استعمار داخلی هکتر و شهروند درجه دوم گلنر نیز می‌توان گفت احساس محرومیت نسبی، احساس نابرابری در قدرت و امتیازات و منابع ارزشمند اجتماعی، احساس فرودستی و استثمار توسط مرکز موجب بازگشت نمادین به گذشته و بازسازی حافظه‌های درد و رنج و تعریف هویت قومی می‌شود (گرب، ۱۳۷۳: ۱۱-۱۰).

بنابراین، همان‌طور که تحقیقات قبلی و دیدگاه‌های حافظه و هویت نسلی و قومی نشان دادند، حافظه و هویت نسلی - قومی متأثر از میزان اندوخته سرمایه اجتماعی - اقتصادی، عادت‌واره و جامعه‌پذیری قومی، بهره‌گیری از رسانه‌های قومی - جهانی، تفاوت‌های منطقه‌ای، پایگاه و طبقه اجتماعی - اقتصادی، احساس تبعیض سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، سن و جنسیت افراد است.

مدل ۱. مدل نظری و فرضیه‌ها



۵. فرضیه‌های تحقیق

- به نظر می‌رسد بین حافظه تاریخی نسل‌های مختلف و هویت قومی آن‌ها رابطه مستقیمی وجود دارد. یعنی هرچه افراد بتوانند وقایع، اشخاص و سایر پدیده‌های تاریخی کردستان را بیشتر به یاد بیاورند دل‌بستگی آن‌ها به عناصر هویت کردی بیشتر است.
- به نظر می‌رسد بین احساس تبعیض کردها و هویت قومی آن‌ها رابطه مستقیمی وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین میزان بهره‌گیری از رسانه‌های قومی و جهانی (اینترنت، ماهواره و...) و هویت قومی کردها رابطه مستقیمی وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین میزان سرمایه اقتصادی کردها و هویت قومی آن‌ها رابطه مستقیمی وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین میزان سرمایه فرهنگی کردها و هویت قومی آن‌ها رابطه مستقیمی وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین متغیرهای فردی (سن، جنسیت، محل سکونت، وضعیت تأهل، وضعیت شغلی، میزان تحصیلات) کردها و هویت قومی آن‌ها رابطه مستقیمی وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین نسل‌های مختلف از نظر میزان هویت قومی تفاوت معناداری وجود دارد.

- به نظر می‌رسد بین جامعه‌پذیری کردها در نهادهایی چون خانواده، مدرسه، همالان و... دلبستگی آن‌ها به عناصر هویت قومی رابطه وجود دارد.

۶. روش‌شناسی

داده‌های تحقیق حاضر با استفاده از روش پیمایش و با ابزار پرسش‌نامه بسته جمع‌آوری شد. بنابراین واحد آماری این پژوهش را شهروندان شهر سنندج و واحد تحلیل آن را نسل تشکیل می‌دهد.

۱. جمعیت و نمونه

جمعیت آماری تحقیق حاضر را سه نسل ۱۵ تا ۲۹ سال، ۳۰ تا ۵۴ سال و ۵۵ سال به بالا ساکن شهر سنندج تشکیل داده‌اند. بر اساس سال‌نامه آماری سال ۱۳۸۵ جمعیت ۱۵ سال به بالای شهر سنندج به این شرح است: حجم جمعیت جوان (۲۹-۱۵) ۱۱۷۵۸۹ نفر، میان‌سال (۵۴-۳۰) ۱۰۰۲۶۸ نفر، کهن‌سال (۵۵ به بالا) ۳۰۶۸۹ نفر.

با توجه به فرمول کوکران و بر اساس حجم جمعیت کل ۱۵ سال به بالا که ۲۴۸۵۴۶ نفر است حجم نمونه ۴۵۵ نفر به دست آمد که از این حجم، جمعیت جوان ۲۰۴، جمعیت میان‌سال ۱۸۰ و جمعیت کهن‌سال ۷۱ نفر است. در تحقیق حاضر، روش نمونه‌گیری و نحوه مراجعه به واحدهای آماری نیز بر اساس سه حجم نمونه فوق به صورت خوشه‌ای یک‌مرحله‌ای، تصادفی ساده و طبقه‌ای است. بدین معنا طبق نمونه‌گیری خوشه‌ای یک‌مرحله‌ای ابتدا از تمامی مناطق شهری سنندج، سه منطقه سطح بالا (از قبیل منطقه بلوار شبلی، شالمان، مبارک‌آباد، شهرک سعدی و...) متوسط (مانند فرح، فیض‌آباد، بهاران، چهارباغ، قطارچیان، تکیه و چمن) و پایین (مانند عباس‌آباد بالا و پایین، کانی کوزله، تفتقان و...) تعیین شدند و با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده در میان مناطق سه‌گانه قرعه‌کشی به عمل آمد که در منطقه سطح بالا، بلوار شبلی و شهرک سعدی، در منطقه متوسط فیض‌آباد و قطارچیان و در منطقه پایین عباس‌آباد پایین و کانی کوزله انتخاب شدند. در مرحله بعد از طریق نمونه‌گیری طبقه‌ای نامتناسب (به جهت عدم تناسب حجم نمونه با حجم جمعیت گروه‌های سنی سه‌گانه ساکن در هر منطقه) بلوک‌هایی انتخاب شدند. سپس با گروه‌های سنی ساکن در هر منزل مسکونی مصاحبه به عمل آمد.

۲.۶. تعریف نظری و عملیاتی متغیرها

هویت قومی: ^۱ نوعی هویت جمعی مبتنی بر دوگانگی ذهنی «ما - آن‌هاست»، یعنی یک وجه آن این است که اعضای قوم (درون قوم) خود را چطور می‌بینند و وجه دیگر آن این است که دیگران (برون قوم) اعضای قوم را چطور می‌بینند (چلبی، ۱۳۷۸). شاخص‌های این متغیر شامل افتخار به زبان کردی، افتخار به شعرای کرد، سرزمین، رسومات، لزوم شناخت تاریخ کردستان، ترجیح نام کردی به سایر نام‌ها، معرفی خود به عنوان یک کرد، احساس حقارت از کردبودن، احساس ناخوشایند به محل تولد، آرزوی جلای وطن و گوش دادن به موسیقی کردی است (ضریب آلفای کرونیخ ۰/۷۸).

حافظه جمعی، اجتماعی، تاریخی: ^۲ به بازنمایی گروه از گذشته‌اش گفته می‌شود؛ گذشته‌ای که عموماً در آن سهیم‌اند و گذشته‌ای که به طور جمعی یادآوری می‌شود که هویت گروه، شرایط حال آن و روایتش از آینده را تأیید و موجه می‌کند (میزتال، ۲۰۰۳: ۱۵۸). برای سنجش حافظه جمعی - تاریخی نمونه مورد بررسی از شاخص‌های قیام سمکو، قیام ملا مصطفی بارزانی، قیام قاضی محمد و تأسیس جمهوری مهاباد، اعدام قاضی و سقوط جمهوری، جنگ سه‌ماهه کردستان، بمباران حلبچه و نسل‌کشی کردها در عراق، خودمختاری حکومت حریم کردستان، دستگیری عبدالله اوجالان، تاریخ‌های مهم در کردستان، کتاب‌های کردی و آثار شاعران، خوانندگان و هنرمندان کرد استفاده شد (ضریب آلفای کرونیخ ۰/۹۳).

جامعه‌پذیری: ^۳ برای سنجش جامعه‌پذیری به شیوه کردی از این شاخص‌ها استفاده شد: صحبت به زبان کردی، ضرورت ازدواج درون قومی، ضرورت انتقال فرهنگ کردی به بچه‌ها، آشنایی با فرهنگ کردی از طریق ماهواره، دوستان، نخبگان، ضرورت یادگیری زبان کردی در کنار زبان فارسی (ضریب آلفای کرونیخ ۰/۶۷).

احساس تبعیض: ^۴ منظور از تبعیض این است که اعضای گروه قومی به شکلی نظام‌مند از برخورداری از حقوق یا دسترسی به موقعیت‌های سیاسی، شرایط و موقعیت‌های اجتماعی و فرهنگی برابر و کالاهای اقتصادی مطلوب در مقایسه با سایر گروه‌های جامعه‌شان محدود بوده

¹ Ethnic identity

² Collective, social and historical memory

³ Socialization

⁴ Feeling of discrimination

یا هستند (گرتد، ۱۳۸۱: ۴۰۲). شاخص‌های احساس تبعیض عبارت‌اند از توزیع عادلانه مسئولیت‌ها در مناطق کردنشین، میزان تأثیر قومیت بر احتمال پیشرفت، آزادی در انتخاب نام کردی برای فرزندان، احساس رضایتمندی از چاپ و نشر روزنامه، پخش برنامه‌های شبکه استانی به زبان کردی، احساس آزادی در یادگیری زبان کردی، میزان اشتغال و بیکاری، احساس رضایتمندی از سرمایه‌گذاری در بخش زیربنایی کردستان و امکانات پزشکی و بهداشتی در مناطق کردنشین (ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۰).

سرمایه اجتماعی - اقتصادی^۱: به اعتقاد بوردیو سرمایه می‌تواند اشکال مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی داشته باشد. سرمایه اقتصادی که مستقیماً به پول تبدیل می‌شود و به صورت حق مالکیت نهادی می‌شود، سرمایه اجتماعی شامل تکالیف، الزامات و پیوندهای اجتماعی است که تحت شرایط خاصی قابل تبدیل به سرمایه اقتصادی است و سرمایه فرهنگی که در شرایط خاصی قابل تبدیل به سرمایه اقتصادی است و می‌تواند به صورت مدارک و مدارج تحصیلی نهادی گردد (بوردیو، ۱۹۹۵: ۱۱۶-۱۱۲؛ ۱۹۸۴: ۴۳۷).

سرمایه اقتصادی را با مرتبه شغلی پاسخگویان و میزان درآمد آن‌ها و سرمایه فرهنگی را با میزان تحصیلات و مدارک تحصیلی، میزان مصرف کالاهای فرهنگی (کتاب، رسانه‌ها و...) مورد سنجش قرار دادیم.

جهانی شدن: جهانی شدن به درهم فشردن جهان و تبدیل آن به مکانی واحد و تراکم آگاهی به جهان به مثابه یک کل دلالت دارد (رابرتسون، ۱۳۸۵: ۳۶). در این تحقیق جهانی شدن را با سؤال از میزان بهره‌گیری پاسخگویان از رسانه‌های جهانی (ماهواره، اینترنت و...) در طول شبانه‌روز مورد سنجش قرار دادیم.

متغیرهای زمینه‌ای تحقیق هم شامل سن، جنسیت، منطقه محل سکونت، درآمد، وضع تأهل، تحصیلات و... است.

¹ Socioeconomic capital

۷. یافته‌های پژوهش

۱. توصیف متغیرهای تحقیق: در این بخش متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق توصیف شده و در جدول ۱ آمده است. متغیرهای مستقل شامل ویژگی‌های جمعیتی^۱ جامعه‌پذیری، احساس تبعیض، سرمایه اقتصادی، سرمایه فرهنگی، در مجاورت رسانه‌های جهانی بودن، حافظه تاریخی، و متغیر وابسته هویت قومی است.

جدول ۱. میانگین به تفکیک سه نسل (تعداد پاسخگو=۴۵۵)

ردیف	طبقات متغیرها	میانگین موافقت برحسب مقیاس ۱۰۰ تا ۰			مقایسه میانگین‌ها
		نسل جوان	نسل میان‌سال	نسل کهن‌سال	
۱	هویت قومی	۸۰/۱۱	۸۵/۴۸	۸۸/۳۸	مقدار اف = ۸/۲ معناداری = ۰/۰۰۰
۲	جامعه‌پذیری و عادت‌واره قومی	۶۳/۴	۶۵/۵	۶۱/۸	مقدار اف = ۳/۸ معناداری = ۰/۰۲
۳	حافظه تاریخی	۹۹/۳	۱۱۷/۲	۱۰۵/۲	مقدار اف = ۵/۱۲ معناداری = ۰/۰۰۶
۴	احساس تبعیض	۶۹/۳	۷۱/۶	۶۷/۸	مقدار اف = ۱/۸ معناداری = ۰/۱
۵	سرمایه فرهنگی	۱۳/۳	۱۱/۷	۸/۷	مقدار اف = ۴۶/۳۵ معناداری = ۰/۰۰۰
۶	سرمایه اقتصادی	۲۷/۷	۱۱/۴	۲۳	مقدار اف = ۴/۴۶ معناداری = ۰/۰۱
۷	در معرض جهانی شدن رسانه‌ای	۲۸۵/۷ دقیقه	۱۸۸/۸ دقیقه	۱۲۴ دقیقه	مقدار اف = ۹/۷ معناداری = ۰/۰۰۰

اطلاعات جدول ۱ نشان می‌دهد در نزد هر سه نسل، میانگین احساس تعلق و دلبستگی به عناصر هویت کردی و احساس افتخار و سربلندی به آن‌ها بالاتر از حد متوسط (۵۰) و معادل ۸۴/۶۵ درصد است. اما بر اساس آزمون شفه و توکی میانگین میزان هویت کردی نسل کهن‌سال به

^۱ ویژگی‌های جمعیتی پاسخگویان در جدول ۱ پیوست آمده است.

میزان تفاوت ۵/۴ درصد بالاتر از میانگین نسل میان سال و با میزان تفاوت ۷/۸ درصد بالاتر از میانگین نسل جوان است.

همچنین میانگین جامعه پذیری به شیوه کردی در بین هر سه نسل بالاتر از حد متوسط (۵۰) و معادل ۶۳/۵ درصد است، اما بر اساس آزمون شفه و توکی، میانگین میزان جامعه پذیری به شیوه کردی نسل میان سال با تفاوت ۱/۸ درصد بالاتر از نسل کهن سال است. اما تفاوت میانگین نسل دوم و سوم و نسل اول و سوم معنادار نیست.

همچنین میانگین حافظه تاریخی نسل میان سال بالاتر از دو نسل دیگر است و بر اساس آزمون شفه و توکی، میانگین حافظه تاریخی نسل میان سال با تفاوت ۱۷/۹ درصد بالاتر از نسل جوان است. اما تفاوت میانگین نسل اول و دوم و نسل اول و سوم معنادار نیست. میانگین احساس تبعیض قومی نیز در بین سه گروه نسلی بالاتر از حد متوسط (۵۰) و ۶۹/۵ درصد است اما نتایج آزمون مقایسه چند گانه میانگین ها نشان داد که تفاوت میانگین احساس تبعیض قومی نسل های سه گانه معنی دار نیست.

از نظر سرمایه های اقتصادی و فرهنگی نسل جوان در وضعیت مناسب تری نسبت به نسل های بزرگسال قرار دارد و بر اساس آزمون شفه و توکی، میانگین سرمایه فرهنگی نسل میان سال با تفاوت ۲/۹ درصد بالاتر از نسل کهن سال و با تفاوت ۴/۵ درصد و ۱/۵ درصد به ترتیب بالاتر از نسل کهن سال و میان سال است. به لحاظ سرمایه اقتصادی هم، بر اساس آزمون شفه و توکی، میانگین سرمایه اقتصادی نسل جوان با تفاوت ۱۶/۳ درصد بالاتر از نسل میان سال است.

به لحاظ میزان بهره گیری از رسانه های جهانی، نسل جوان بیشتر در معرض جهانی شدن و رسانه های جهانی قرار دارد و بر اساس آزمون شفه و توکی، میانگین بهره گیری از رسانه های جهانی نسل جوان با تفاوت ۱۶۱/۶ و ۹۶/۸ دقیقه به ترتیب بالاتر از دو نسل کهن سال و میان سال است، به طوری که قریب به نیمی (۴۶/۷ درصد) از افرادی که ماهواره دارند به کانال کردی ماهواره رتبه ۱ داده اند که سهم نسل کهن سال بیشتر از دو نسل میان سال و جوان است. بنابراین نسل میان سال و جوان بیشتر به برنامه های غیر کردی ماهواره علاقه مندند.

۲.۷. تحلیل دومتغیری هویت قومی کردها با متغیرهای مستقل

جدول ۲. آزمون رابطه بین متغیرهای زمینه‌ای و وابسته (هویت قومی)

آزمون‌ها	هویت قومی			متغیر وابسته	
	پایین	متوسط	بالا	متغیر مستقل	
گاما=۰/۳۲- معناداری =۰/۰۰۰ اسپیرمن=۰/۱۶- معناداری =۰/۰۰۱	۰	۲	۴۱	بی سواد	تحصیلات
	۱	۳۹	۲۲۷	زیر دیپلم و دیپلم	
	۵	۲۳	۱۱۷	دانشگاهی	
	۶	۶۳	۳۸۵	کل	
گاما=۰/۲۳۴- معناداری =۰/۰۴ اسپیرمن=۰/۱۰۶- معناداری =۰/۰۲	۱	۲۱	۱۲۴	پایین	منطقه محل سکونت
	۱	۹	۱۴۴	متوسط	
	۴	۳۳	۱۱۸	بالا	
	۶	۶۳	۳۸۶	کل	
سن = ۱۸ ضریب همبستگی = ۰/۰۰۰ معناداری					

همان‌طور که جدول ۲ نشان می‌دهد، بین دو متغیر میزان تحصیلات و هویت قومی رابطه معکوسی وجود دارد (گاما=۰/۳۲- و اسپیرمن=۰/۱۶-). بدین معنا که با بالا رفتن میزان تحصیلات افراد، میزان دل‌بستگی شان به عناصر هویت قومی کاهش می‌یابد. بنابراین بالاترین میزان افتخار و مباهات به هویت قومی متعلق به کسانی است که تحصیلات دیپلم و زیر دیپلم دارند. همچنین بین دو متغیر منطقه محل سکونت و هویت قومی رابطه معکوسی وجود دارد (گاما=۰/۲۳۴- و اسپیرمن=۰/۱۰۶-). بدین معنا که میزان دل‌بستگی افراد ساکن در بالای شهر به عناصر هویت قومی کمتر از افراد مناطق متوسط و پایین شهر است. تفاوت مزبور احتمالاً به این دلیل باشد که افراد ساکن در پایین شهر ریشه فرهنگ روستایی دارند و نسبت به افراد ساکن در بالای شهر کمتر در معرض پدیده‌های مدرنی چون تحصیلات آکادمیک، رسانه‌های جمعی و تبادلات بین فرهنگی از نوع عاطفی، اجتماعی، اقتصادی و... قرار دارند که در جهت عام‌گرایی عمل می‌کنند. همچنین با توجه به ضریب همبستگی ۰/۱۸ بین سن افراد و هویت قومی رابطه معناداری وجود دارد. یعنی با افزایش سن دل‌بستگی و افتخار به عناصر هویت قومی افزایش

می یابد. اما بین متغیرهای جنسیت، وضع تأهل، وضعیت شغلی و هویت قومی افراد هیچ گونه رابطه معناداری مشاهده نشد.

جدول ۳. آزمون رابطه بین سایر متغیرهای مستقل و وابسته (هویت قومی)

هویت قومی						متغیر وابسته	آزمون همبستگی
نسل جوان		نسل میان سال		نسل کهن سال			
معناداری	ضریب همبستگی	معناداری	ضریب همبستگی	معناداری	ضریب همبستگی	متغیرهای مستقل	
۰/۰۰۰	**۰/۵۰	۰/۰۰۰	**۰/۴۸	۰/۰۰۴	**۰/۳۳	جامعه پذیری	
۰/۷	۰/۰۲	۰/۰۰۰	**۰/۳۱	۰/۰۱	*۰/۳۰	احساس تبعیض	
۰/۰۲	-۰/۱۶	۰/۰۲	-۰/۱۶	۰/۴	۰/۰۶	سرمایه اقتصادی	
۰/۲	-۰/۰۸	۰/۰۰۰	**۰/۲۷	۰/۴	-۰/۲	سرمایه فرهنگی	
۰/۱	-۰/۱۰	۰/۸	-۰/۰۳	۰/۸	-۰/۰۲	جهانی شدن	
۰/۰۰۰	**۰/۳۷	۰/۵	۰/۰۴	۰/۱	۰/۱۹	حافظه تاریخی	

بر اساس اطلاعات جدول ۳ می توان گفت که با توجه به ضریب همبستگی ۰/۳۳ در نسل کهن سال، ۰/۴۸ در نسل میان سال و ۰/۵۰ در نسل جوان، بین میزان جامعه پذیری به شیوه کردی و هویت قومی در گروه های نسلی سه گانه، رابطه متوسط روبه بالای مثبتی وجود دارد. البته رابطه بین دو متغیر مذکور در نسل جوان قوی تر است. همچنین با توجه به ضریب همبستگی ۰/۳۰ در نسل کهن سال و ۰/۳۱ در نسل میان سال بین دو متغیر میزان احساس تبعیض قومی و هویت قومی در گروه کهن سال و میان سال رابطه متوسط مثبتی وجود دارد اما بین دو متغیر مذکور در گروه جوان رابطه معناداری به دست نیامد. با توجه به ضریب همبستگی ۰/۱۶- در نسل میان سال و نسل جوان، بین دو متغیر میزان سرمایه اقتصادی و هویت قومی در نسل میان سال و جوان رابطه معکوسی وجود دارد، بدین معنا که هرچه افراد از سرمایه اقتصادی بیشتری برخوردار باشند بیشتر به هویت فراقومی - محلی دلبستگی پیدا می کنند، اما بین دو متغیر مذکور در گروه نسلی کهن سال رابطه معناداری مشاهده نشد.

همچنین بر اساس ضریب همبستگی ۰/۲۷- در گروه میان سال، می توان گفت که بین دو متغیر میزان سرمایه فرهنگی و هویت قومی در نسل میان سال رابطه معکوسی وجود دارد. بدین معنا که هرچه سرمایه فرهنگی افراد بالا باشد میزان دلبستگی آن ها به عناصر هویت قومی

کاهش و میزان عام‌گرایی آن‌ها افزایش می‌یابد، اما بین دو متغیر مذکور در گروه سنی کهن‌سال و جوان رابطه معناداری به دست نیامد. همچنین بین دو متغیر میزان بهره‌گیری از رسانه‌های جهانی و هویت قومی در سه گروه نسلی رابطه معناداری مشاهده نشد.

سرانجام اینکه با توجه به ضریب همبستگی ۰/۳۷ در نسل جوان، بین دو متغیر میزان حافظه تاریخی و هویت قومی در نسل جوان رابطه متوسط به بالای مثبتی وجود دارد، بدین معنا که هرچه افراد از حافظه تاریخی قوی‌تری برخوردار باشند دل‌بستگی بیشتری به عناصر هویت قومی خود پیدا می‌کنند. اما بین دو متغیر مذکور در دو گروه کهن‌سال و میان‌سال رابطه معناداری مشاهده نشد.

۳.۷. تحلیل چندمتغیری هویت قومی با متغیرهای مستقل

در قسمت آخر تحلیل داده‌ها، برای اینکه شمایی کلی از عوامل تبیین‌کننده و مؤثر بر هویت قومی و حافظه تاریخی داشته باشیم، ابتدا به تحلیل رگرسیون چندمتغیره داده‌ها و سپس ترسیم تحلیل مسیر پرداخته می‌شود.

جدول ۴: عناصر عمده تحلیل رگرسیون چندمتغیره برای تبیین تغییرات متغیر وابسته (هویت قومی)

مدل ۳		مدل ۲		مدل ۱		عناصر رگرسیون و متغیرها
β	B	β	B	B	B	
-	۸۱/۳	-	۲۹/۸	-	۲۱/۱۸	مقدار ثابت
-	-	-	-	۰/۴۳	۰/۴۱	جامعه‌پذیری
-	-	۰/۲۲	۰/۰۲۰	۰/۱۱	۰/۰۱۳	حافظه تاریخی
۰/۰۹	۰/۷۵	۰/۰۹	۰/۰۶۹	۰/۱۵۲	۰/۱۰۴	احساس تبعیض
۰/۰۰۹		۰/۲۴		۰/۶۰		ضریب همبستگی چندگانه (R)
۰/۰۰۹		۰/۰۶۲		۰/۳۶		ضریب تعیین (R ²)
۰/۰۰۶		۰/۰۵۷		۰/۳۴		ضریب تعیین تعدیل شده
۳/۸۹		۱۴/۵		۱۷/۷		مقدار F

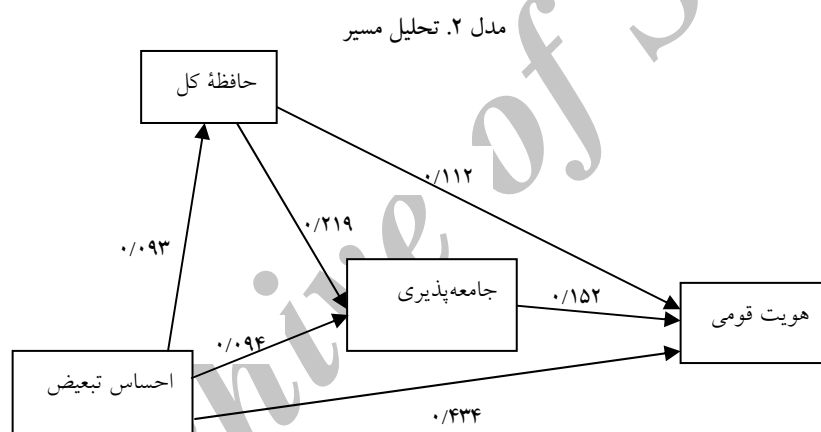
بر اساس جدول ۴ نتایج زیر استنباط می‌شود: اول اینکه با توجه به ضرایب اف از مجموع ۱۲ متغیر مستقل وارد شده در معادله، ۳ متغیر جامعه‌پذیری، احساس تبعیض و حافظه تاریخی رابطه معنی‌داری با متغیر وابسته (هویت قومی) داشتند.

دوم اینکه، ضریب همبستگی چندگانه ($R^2=0.60$) نشان از همبستگی نسبتاً بالا بین متغیرهای موجود در معادله نهایی رگرسیون دارد.

سوم اینکه، ضریب تعیین تعدیل شده^۱ نشان می‌دهد ۳۴ درصد از تغییرات متغیر وابسته (هویت قومی) توسط سه متغیر ذکر شده در مدل تبیین می‌شود.

همچنین با توجه به بتاهای به دست آمده، متغیر جامعه‌پذیری قوی‌ترین رابطه را با متغیر وابسته (هویت قومی) داشته و به تنهایی حدود ۰/۴۳ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین کرده است و بعد از آن دیگر متغیرها قرار گرفته‌اند.

در نهایت، با توجه به مقادیر بتای مدل اول در جدول ۴ می‌توان گفت که به ترتیب متغیر جامعه‌پذیری، احساس تبعیض و حافظه تاریخی کل بر متغیر وابسته (هویت قومی) تأثیر می‌گذارند. در مدل دوم دو متغیر احساس تبعیض قومی و حافظه تاریخی به عنوان متغیرهای مستقل و جامعه‌پذیری به عنوان متغیر وابسته وارد معادله شدند که سهم حافظه تاریخی در تبیین هویت قومی به مراتب بیشتر از احساس تبعیض است و در مدل سوم حافظه تاریخی به عنوان متغیر وابسته و احساس تبعیض به عنوان متغیر مستقل وارد معادله شدند که سهم تأثیر متغیر مستقل معادل ۰/۰۹ است.



۸. نتیجه‌گیری

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که گرایش به هویت‌های محلی-قومی و خاص‌گرایی فرهنگی و اجتماعی در بین کردهای سنندج ایران دست‌کم به لحاظ صوری قوی است و

¹ Adjusted R Square

جهت گیری‌های شناختی، عاطفی و عملی کردها تا حدود زیادی محصور در اجتماع قومی است. اما نسل‌های بزرگسال به‌ویژه نسل کهن‌سال از هویت قومی برجسته‌تری نسبت به دو گروه میان‌سال و جوان برخوردار است. بدین معنا که هرچند هویت و تعلقات قومی در بین نسل‌های سه‌گانه برجسته است، نسل جوان به هویتی سیال‌تر گرایش دارد. همچنین میانگین جامعه‌پذیری به‌شیوه کردی و حافظه تاریخی در بین نسل میان‌سال بالاتر از دو نسل دیگر است زیرا نسل میان‌سال امروز (کردهای ۵۴-۳۰ ساله) همان کسانی هستند که در بطن گفتمان ناسیونالیسم قومی اوایل انقلاب اسلامی قرار داشتند، یعنی نسلی که تحت تأثیر تبلیغات حزبی آن زمان برای تحقق‌بخشیدن به آرمان‌های قوم خود مستقیم و غیرمستقیم درگیر مسائل هویت و حافظه قومی بود. بنابراین افراد میان‌سال به‌لحاظ سنی مجاورت زمانی ویژه‌ای با وقایع سیاسی و اجتماعی داشتند که امروزه بخشی از خاطرات قومی محسوب می‌شوند و در فضای ناشی از گفتمان ناسیونالیسم کردی جامعه‌پذیر می‌شدند. با وجود این، فقط در نسل جوان بین حافظه تاریخی و هویت قومی همبستگی معناداری به دست آمد؛ بدین معنا که هرچه نسل جوان از حافظه تاریخی بالاتری برخوردار باشد دل‌بستگی و تعلقش به عناصر هویت قومی بالاتر است. به‌طور کلی بین جامعه‌پذیری به‌شیوه کردی و هویت قومی رابطه معناداری وجود دارد و این دیدگاه بوردیو را تأیید می‌کند. البته هرچند بین جامعه‌پذیری به‌شیوه کردی و هویت قومی در هر سه نسل همبستگی متوسط به بالایی وجود دارد، چون نسل جوان بیشتر از طریق رسانه‌های جهانی (ماهواره، اینترنت، موبایل و...) جامعه‌پذیر می‌شوند در نتیجه تعلقات هویتی چندگانه‌ای پیدا کرده‌اند که از دایره هویت قومی - محلی مبتنی بر مکان و زمان واحد فراتر رفته‌اند.

همچنین احساس تبعیض قومی در بین هر سه نسل بالاتر از حد متوسط ۵۰ درصد است، اما نسل میان‌سال و کهن‌سال از نظر عدالت توزیعی و نمود عینی آن در عرصه‌های ثروت، قدرت، منزلت و دانش بیشتر احساس تبعیض می‌کند و همان‌طور که اشاره شد نسل میان‌سال در کنار نسل کهن‌سال دل‌بستگی هویتی بالایی دارد و نسبت به دو نسل دیگر از حافظه تاریخی قوی‌تری برخوردار است. بنابراین تجربه احساس تبعیض بالای نسل میان‌سال در کنار نسل کهن‌سال بر شدت دل‌بستگی هویت قومی آن‌ها مؤثر بوده است. بدین ترتیب این یافته، دیدگاه‌های لنسکی، گلنر و هکتر و دستاورد محققان ایرانی همچون نواح و تقوی نسب

(۱۳۸۶) و لهسایی‌زاده و همکاران (۱۳۸۸) را تأیید می‌کنند که بین احساس محرومیت نسبی (در ابعاد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی) و شدت دل‌بستگی قومی همبستگی مستقیمی وجود دارد. اما به لحاظ میزان برخورداری از سرمایه‌های اقتصادی و سرمایه فرهنگی، نسل جوان در وضعیت بهتری نسبت به نسل‌های بزرگسال قرار دارد و همین امر بر گرایش‌های عام‌گراتر آن‌ها مؤثر است، اما نتایج آزمون رابطه متغیرها نشان داد در نسل جوان و میان‌سال بین هویت قومی و میزان برخورداری از سرمایه اقتصادی همبستگی معکوسی وجود دارد، یعنی هرچه افراد جوان و میان‌سال از منابع و سرمایه‌های اقتصادی (برخورداری از ثروت و رفاه اقتصادی) بیشتری برخوردار باشند گرایش عام‌گرایانه‌تری به عناصر هویت دارند، همچنین بین میزان برخورداری از سرمایه فرهنگی (مدارک تحصیلی، مصرف کالاهای فرهنگی) و هویت قومی در بین افراد میان‌سال همبستگی معکوسی به دست آمد. این یافته دستاورد عبداللّهی و قادرزاده (۱۳۸۸) را مبنی بر تأثیر کاهنده سرمایه اقتصادی و فرهنگی بر هویت قومی تأیید و دیدگاه بوردیو را در مورد تأثیر مثبت سرمایه‌ها بر هویت و حافظه رد می‌کند. بدین معنا افراد برخوردار از منابع اقتصادی (ثروت و سرمایه مادی) و فرهنگی (تحصیلات دانشگاهی) قادرند مدارای اجتماعی با برون‌گروه و شبکه‌های فراقومی و فرامحلی، دایره دوستی و تبادلات و روابط عاطفی - اجتماعی، سیاسی و اقتصادی با اجتماعات دیگر را گسترش دهند.

هرچند نسل جوان بیشتر از دو نسل دیگر در معرض جهانی شدن رسانه‌ای قرار دارد، بین میزان بهره‌گیری از رسانه‌های جهانی و هویت قومی در بین نسل‌های سه‌گانه رابطه معناداری به دست نیامد، در نتیجه یافته‌های تحقیق حاضر در سنندج با دستاورد نساج (۱۳۸۷) مبنی بر تأثیر منفی جهانی شدن بر هویت قومی مطابقت داشته و دستاورد مطالعات گریش (۲۰۰۹)، معیدفر و شهلی‌بر (۱۳۸۶)، ساعی ارسی (۱۳۸۵)، فکوهی و آموسی (۱۳۸۸)، حافظ‌نیا و همکاران (۱۳۸۵) را مبنی بر تأثیر تقویت‌کننده رسانه‌های جهانی بر هویت قومی زیر سؤال می‌برد. علت این امر هم به عدم پیگیری برنامه‌های کانال‌های کردی ماهواره توسط جامعه مورد مطالعه (اغلب افراد میان‌سال و جوان) برمی‌گردد. همچنین از بین متغیرهای زمینه‌ای فقط سن، تحصیلات و منطقه محل سکونت شهروندان با هویت قومی آن‌ها به ترتیب رابطه مستقیم و معکوسی داشت و این با یافته‌های ماس و گانزالیس (۲۰۰۵) مطابقت داشته و یافته‌های وان واگن (۲۰۰۹) و لهسایی‌زاده و همکاران (۱۳۸۸) را رد می‌کند. به‌طور کلی نتایج آزمون رابطه

بین متغیرهای تحقیق نشان می‌دهد به ترتیب متغیر جامعه‌پذیری، احساس تبعیض و حافظه تاریخی کل ۳۴ درصد تغییرات متغیر وابسته (هویت قومی) را تبیین می‌کند: هرچه افراد به شیوه کردی جامعه‌پذیر شوند، احساس تبعیض قومی بیشتری در ابعاد عینی و ذهنی داشته باشند و از حافظه تاریخی نیرومندتری برخوردار باشند تعلق و دلبستگی‌شان به عناصر و مؤلفه‌های فرهنگ و هویت کردی بیشتر است.

بنابراین، همان‌طور که نظریه پردازان حافظه تأکید داشتند، هویت بدون پشتوانه حافظه تاریخی تثبیت و تقویت نمی‌شود و هرچند یادآوری پدیده‌هایی چون «شخصیت‌های شناخته شده کرد»، «جمهوری مهاباد»، «بمباران شیمیایی حلبچه» و... موجب استمرار و پایداری هویت قوم کردها شده است، احتمالاً جامعه کردستان با شکاف نسلی عمیق‌تری در آینده روبه‌رو خواهد شد. زیرا جامعه آماری مورد مطالعه کمتر حافظه رسانه‌ای را پی می‌گیرند. علت این امر هم به خط‌مشی‌های مختلف احزاب و گروه‌های سیاسی در اداره شبکه‌های ماهواره‌ای کردی برمی‌گردد؛ این کانال‌ها نتوانسته‌اند راهبردی یکسان داشته و بر تفاوت‌های موجود در بین خود کردها (از لحاظ گویش، سنت‌های محلی و طرز فکر محلی گرای و...) غلبه کنند و انسجام و اتحاد لازم را در بین آن‌ها به وجود بیاورند.

منابع

- احمدی، حمید (۱۳۸۹) قومیت و قوم‌گرایی در ایران، از افسانه تا واقعیت، تهران: نی.
- اوزکریملی، اوموت (۱۳۸۳) نظریه‌های ناسیونالیسم، ترجمه محمدعلی قاسمی، تهران: مؤسسه مطالعات ملی.
- برگر، پیتر و لاکمن (۱۳۸۷) ساخت اجتماعی واقعیت، ترجمه فریبرز مجیدی، تهران: علمی و فرهنگی.
- توسلی، غلامعباس و یارمحمد قاسمی (۱۳۸۳) «هویت‌های جمعی و جهانی شدن»، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۴: ۲۶-۱.
- _____ و سیاوش قلی‌پور (۱۳۸۶) «جهانی شدن و هویت فرهنگی قوم لک»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره هشتم، شماره ۳: ۱۰۴-۸۱.

حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۵) «تأثیر جهانی شدن بر هویت ملی: مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه‌های دولتی شهر تهران»، فصلنامه ژئوپولیتیک، شماره دوم، سوم و چهارم: ۲۱-۱. چلبی، مسعود (۱۳۷۸) هویت قومی و رابطه آن با هویت ملی، تهران: امور اجتماعی وزارت کشور.

رابرتسون، رونالد (۱۳۸۵) جهانی شدن: نظریه‌های اجتماعی و فرهنگ جهانی، ترجمه کمال پولادی، تهران: ثالث.

ساعی ارسی، ایرج (۱۳۸۵) جهانی شدن، ملیت و هویت قومی، مطالعه نظری همراه با پژوهش میدانی در قوم آذری، رساله دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز.

شریفی، نفیسه (۱۳۸۷) حافظه تاریخی و هویت دینی: پژوهشی در بین جوانان شهر تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی.

عاملی، سعیدرضا (۱۳۸۳) «جهانی شدن‌ها: مفاهیم و نظریه‌ها»، فصلنامه ارغنون، شماره ۲۴: ۵۶-۱.

عبداللهی، محمد و امید قادرزاده (۱۳۸۸) «هویت جمعی غالب کردها در کشورهای ایران و عراق»، نامه علوم اجتماعی، دوره ۱۷، شماره ۳۶: ۲۵-۱.

فکوهی، ناصر و مجنون آموسی (۱۳۸۸) «هویت ملی و هویت قومی در کردستان ایران، مطالعه موردی معیشت اقتصادی و تعلق‌های هویتی نزد جوانان شاغل در اقتصاد غیررسمی پیرانشهر». پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه، شماره دوم: ۷۵-۴۹.

کاستلز، مانوئل (۱۳۸۹) عصر اطلاعات، قدرت، هویت، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: طرح نو.

گرتد، رابرت (۱۳۸۱) چرا انسان‌ها شورش می‌کنند؟ ترجمه علی مرشدی‌زاد، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

گرب ادوارد. ج (۱۳۷۳) نابرابری اجتماعی (دیدگاه‌های نظریه‌پردازان کلاسیک و معاصر)، محمدرضا سیاهپوش و احمدرضا غروی‌نژاد، تهران: معاصر.

گل محمدی، احمد (۱۳۸۹) جهانی شدن، فرهنگ، هویت، تهران: نی.

گیدنز، آنتونی (۱۳۷۴) جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نی.

لهسایی زاده، عبدالعلی و همکاران (۱۳۸۸) «بررسی عوامل داخلی مؤثر بر هویت قومی و هویت ملی در میان اعراب شهرستان اهواز»، *جامعه‌شناسی کاربردی*، سال بیستم - شماره پیاپی ۳۳، شماره ۱: ۷۰-۴۵.

ماتیل، الکساندر (۱۳۸۳) *دایرةالمعارف ناسیونالیسم*، ترجمه زیر نظر کامران فانی و محبوبه مهاجر، تهران: کتابخانه تخصصی وزارت خارجه.

معدفر، سعید و عبدالوهاب شهلی‌بر (۱۳۸۶) «جهانی‌شدن و شکل‌گیری سیاست فرهنگی محلی: مصرف رسانه‌ای بلوچ‌های ایران و چالش‌های هویت قومی و هویت ملی»، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی*، سال ۱۵، شماره ۵۷-۵۶: ۲۰۸-۱۸۳.

مقصودی، مجتبی (۱۳۸۰) *تحولات قومی در ایران، پیامدها و زمینه‌ها*، تهران: مؤسسه مطالعات ملی.

نساج، حمید (۱۳۸۷) «جهانی‌شدن و هویت اقوام ایرانی، با تأکید بر مؤلفه‌های زبان و آداب و رسوم»، *دوفصلنامه تخصصی پژوهش سیاست نظری*، دوره جدید، شماره ۵: ۱۲۹-۱۵۶.

نواح، عبدالرضا و سیدمجتبی تقوی‌نسب (۱۳۸۶) «تأثیر احساس محرومیت نسبی بر هویت قومی و هویت ملی، مطالعه موردی اعراب استان خوزستان»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره هشتم، شماره ۲: ۱۶۳-۱۴۲.

هابزبام، ای. جی (۱۳۸۲) *ملت و ملت‌گرایی*، ترجمه جمشید احمدپور، مشهد: نیکا. هال، استوارت (۱۳۸۳ الف) *بومی و جهانی: جهانی‌شدن و قومیت*، ترجمه بهزاد برکت، *فصلنامه ارغنون*، شماره ۲۴: ۲۳۹-۲۶۲.

_____ (۱۳۸۳ ب) «هویت‌های قدیم و جدید»، ترجمه شهریار وقفی‌پور، *فصلنامه ارغنون*، شماره ۲۴: ۳۱۹-۳۵۲.

سالنامه آماری مرکز آمار ایران، آمار کامل کردستان، ۱۳۸۵.

Attias-Donfut C. and F. C. Wolff (2003) "Generational Memory and Family Relationships" , <http://www.sc-eco.univ-nantes>, 1-19.

Bourdieu, P. (1984) "The Forms of Capital" , *Handbook of Theory and Research for the Sociology of Education*, in J. G. Richardson (eds), New Yourk: Greenwood Press.

_____ (1995) *The Field of Cultural Production*, Combridge: Combridge Polity Press.

- Bugajski, J. (1995) *Ethnic Politics in Eastern Europe: A Guide to Nationality Policies, Organizations, and Parties: With a New Postscript*, New York: The Center for Tratrgetic and International Studies.
- Burkitt, Ian (1994) "The Shifting Concept of The Self", *History of the Human Sciences*, 7 (2): 7-28.
- Dijck J. V. (2006) "Popular Music between Personal and Collective Communication", *Critical Studies in Media Communication*, 23 (5): 357-374.
- Erll, Astrid and Ansar Nunning (2008) *Media and Cultural Memory*, New York: Walter De Gruyter.
- Fentress, J. and C. Wickham (1992) *Social Memory*, Oxford: Blackwell.
- González-Castro and José Luis (2006) "Memory, Narratives and Identity, How People Recall, Transmit and Live through Historical Events", *Psicología Política*, 32: 7-14.
- Gresh, Geoffrey F. (2009) "Iranian Kurds in an Age of Global", *Caucasian Center for Iranian Studies, Iran and Caucasus*, 13:187-196.
- Jandt, F. E. (1995) *Intercultural Communication*, London: Sage.
- Kansteiner, Wolf (2002) "Finding Meaning in Memory: Methodological Critique Ccollectie Memory Studies", *History and Theory*, 41 (2) : 179-197.
- Kuzmanic, Marja (2008) "Collective Memory and Social Identity: A Social Psychological Exploration of The Memories of the Disintegration of Former Yugoslavia", *Psihološka Obzorja/ Horizons of Psychology*, 17 (2): 5-26.
- Lev-Wiesel, Rachel (2007) "Intergenerational Transmission of Trauma Across Three Generations A Preliminary Study", *Qualitative Social Work*, 6 (1): 75-94.
- Maass, Margarita and Jorge A. González (2005) "Technology, Global Flows and Local Memories: Media Generations in Global", *Mexico Global Media and Communication*, 1 (2): 167-184.
- Misztal, B. A. (2003) *Theories of Social Remembering*, London: Open University Press.
- _____ (2005) "Collective Memory in a Global Age: Learning How and What to Remember", *Journal of Creative Communications*, (5): 63-74.
- Rorlich, Azode-Ayse (1999) "History, Collective Memory and Identity: The Tatars of Sovereign Tatarstan", *Communist and Post-Communist Studies*, 32 :379-396.
- Schwartz, B. (1991) "The Social Context of Commemoration: A Study in Collective Memory", *Social Forces*, 61 (2): 374-402.

- Smith , A. D. (1998) *Nationalism and Modernismz*, London &New York: Rutledge.
- Taylor, G. and S. Spencer (2004) *Social Identities*, London: Routledge.
- Touraine, A. (2000) *Can We Live Together? Equality and Difference*, Stanford, CA: Stanford University Press.
- Wagenen, Michael Van (2009) *Remembering the Forgotten War: Memory and the United States-Mexican War, 1848-2008*, Department of History, University of Utah.
- Weissberg, L. (1999) "Introduction", in D. Ben-Amos and L. Weissberg (eds) *Cultural Memory and the Construction of Identity*, Detroit, MI: Wayne State University Press: 1-22.

پیوست

جدول ۱. توزیع فراوانی و درصدی متغیرهای زمینه‌ای به تفکیک گروه‌های نسلی سه گانه

عنوان متغیرها	طبقات متغیرها	پیر	میان سال	جوان	جمع
نسل	فراوانی	۷۱	۱۸۰	۲۰۴	۴۵۵
	درصد	۱۵/۶	۳۹/۶	۴۴/۸	۱۰۰
منطقه	بالا	فراوانی	۲۴	۵۹	۷۲
		درصد	۳۳/۸	۳۲/۸	۳۵/۳
	متوسط	فراوانی	۲۵	۶۱	۶۸
		درصد	۳۵/۲	۳۳/۹	۳۳/۳
	پایین	فراوانی	۲۲	۶۰	۶۴
		درصد	۳۱	۳۳/۳	۳۱/۴
جمع معتبر		۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۴۵۵
جنسیت	زن	فراوانی	۲۱	۴۸	۸۰
		درصد	۲۹/۶	۲۶/۷	۳۹/۲
	مرد	فراوانی	۵۰	۱۳۲	۱۲۴
		درصد	۷۰/۴	۷۳/۳	۶۰/۸
جمع معتبر		۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۴۵۵
وضع تأهل	مجرد	فراوانی	۰۰۰	۲۳	۱۷۵
		درصد	۰۰۰	۱۲/۸	۷۴
	متأهل	فراوانی	۶۷	۱۵۵	۵۲
		درصد	۹۴/۴	۸۶/۱	۲۵/۵
	سایر	فراوانی	۴	۲	۱

۲/۰۷	۰/۵	۰/۱۲	۵/۶	درصد			
۴۵۵	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	جمع معتبر			
۴۳	۰۰۰	۹	۳۴	فراوانی	بی سواد	تحصیلات	
۱۷/۶	۰۰۰	۵	۴۷/۹	درصد			
۲۶۷	۱۳۱	۱۱۲	۲۴	فراوانی	زیر دیپلم و		
۵۳/۴	۶۴/۳	۶۲/۱	۳۳/۷	درصد	دیپلم		
۱۴۴	۷۳	۵۹	۱۲	فراوانی	دانشگاهی		
۲۹/۰۶	۳۵/۷	۳۲/۹	۱۸/۶	درصد			
۴۵۵	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	جمع معتبر			

Archive of SID